

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۴ اپریل ۲۰۱۹

## گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛ پیامد خروج از پیمان منع راکت‌های هسته‌ای میان‌برد (آی.ان.اف)

۲۰ اکتوبر ۲۰۱۹ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا تهدید کرد:

«از آنجا که روسیه به پیمان منع تولید آزمایش راکت‌های هسته‌ای میان‌برد (INF) (Intermediate Range Nuclear Forces) متعهد نبوده است، بنابر این امریکا از این پیمان خارج خواهد شد»

و چهار ماه بعد در یکم فبروری ۲۰۱۹ به این تهدید جامه عمل پوشانید و خروج امریکا از پیمان (INF) را رسماً اعلام کرد و اضافه نمود که این تصمیم تا ۶ ماه دیگر لازم‌الاجراست. یکروز بعد متعاقباً پوتین؛ رئیس‌جمهور روسیه؛ در اقدامی تلافی‌جویانه عضویت روسیه در پیمان مذکور را ملغی اعلام نمود.

(INF) پیمانی است که در سال ۱۹۸۷ میان رونالد ریگان؛ رئیس‌جمهور وقت امریکا و میخائیل گوربچف؛ دبیر کل آن زمان حزب «کمونیست» اتحاد جماهیر شوروی به امضاء رسید. پیمان مذکور این دو کشور را از آزمایشات راکتی و استقرار راکت‌های بالستیک و کروز زمین‌پایه، که بُرد آنها میان ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر باشد، نه تنها در این دو کشور، بلکه در سرتاسر جهان منع می‌کرد. پس از عقد این پیمان؛ امریکا ۸۴۶ و شوروی ۱۸۴۶ راکت از نوع یادشده را از رده خارج کردند. مجموعه کشورهای اروپایی نیز از انعقاد این پیمان استقبال کرده و آن را به فال نیک گرفتند. همانگونه که در بالا اشاره رفت، در پیمان مذکور صرفاً راکت‌هایی که بر خشکی مستقر شده‌اند، مورد نظر بود و دو ابر قدرت آگاهانه دست خود را برای استقرار چنین راکت‌هایی در ابحار بر روی ناوهای نظامی بازگذارند.

ادعای نقض (INF) را برای نخستین بار ۵ سال پیش اوباما، رئیس‌جمهور وقت امریکا؛ مطرح کرد. در اواسط سال ۲۰۱۴ مقامات امریکائی برای اولین بار ادعا کردند که روسیه پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای را نقض کرده است. پایه استدلال واشنگتن تولید راکت‌هایی با بُرد ۲۰۰۰ کیلومتر توسط روسیه بود، که در روسیه به 9M729 و در ناتو به SSC-8 مشهور است. لازم به ذکر است که این راکت‌ها از نوع راکت‌های «کروز» هستند. در نشریه «شنال اینترست»، یکی از مقامات شورای امنیت ملی امریکا شخصی به نام «کریستوفر فورد» در نومبر ۲۰۱۷ علناً بیان داشت که علت این که امریکا باور دارد که روسیه پیمان (INF) را نقض کرده است، همان تولید 9M729 و یا SSC-8 است.

به گزارش سپوتنیک؛ امروز جدیدترین راکت مافوق صوت روسی «آوانگارد»، که سرعت آن ۲۰ برابر بیش از عدد «ماخ» (نسبت سرعت شیئی در یک سیال به سرعت صوت در همان سیال است) می‌باشد، نیز تولید گشته است. کارشناسان سلاح‌های فضائی روسیه در این رابطه اظهار داشته‌اند که «ساخت راکت مافوق صوت «آوانگارد» روسیه در واقع پاسخی به سیستم راکت‌های AEGIS امریکائی مستقر در پولند و رومانی است که سرعت آن ۵ برابر عدد «ماخ» است و از سال ۲۰۱۲ در این دو کشور مستقر گشته‌اند. امپریالیسم امریکا به دروغ مدعی بود که استقرار راکت‌هایش در پولند و یا رومانی واکنشی در برابر ساختن راکت‌های ایران بوده و صرفاً جنبه "دفاعی" دارند و به این وسیله می‌خواست جبهه‌ای از امریکا و روسیه علیه صنایع راکتی ایران ایجاد کند که دسیسه‌اش مورد توجه روسها قرار نگرفت. روسها بدستی بیان کردند که این پایگاه‌های راکتی "دفاعی" امریکائی علیه ایران؛ فوراً می‌توانند به سکوی پرتاب راکت‌های میانبرد برای تجاوز به روسیه بدل شوند که در واقع نقض قرارداد (INF) است. امپریالیسم امریکا از این شگرد تبلیغاتی برای تسلیح عربستان سعودی؛ امارات متحده عربی و اسرائیل استفاده می‌کند. این روش عوامفریبانه و ضد بشری که موزیانه به جنبه "دفاعی" تکیه می‌کند، تنها برای مصرف افکار عمومی است، تا مبدا تصور کنند امپریالیسم امریکا متجاوز؛ جنگ طلب و جنایتکار است.

از قدیم گفته‌اند «جواب های هوی» می‌باشد. چگونه است که استقرار راکت‌های میان‌برد امریکائی در پولند و رومانی نقض (INF) به شمار نمی‌رود، ولی راکت‌های SSC-8 روسی نقض کامل پیمان مذکور به شمار می‌آید و منجر به تصمیم امریکا مبنی بر خروج از (INF) می‌گردد؟! آقای «گریئل» Richard Grenell؛ سفیر و قیح و نخود هر آش ایالات متحده امریکا در برلین؛ از المان به خاطر عدم پرداخت بودجه کافی برای ناتو شدیداً انتقاد می‌کند و هشدار می‌دهد که: «روسیه پشت در منزل شما کمین کرده است!» اما در این رابطه آقای «لُوهر هِنکن» Lüher Henken یکی از محققان برجسته صلح، معتقد است که:

«قدرت‌های غربی به نادرستی روسیه را متهم می‌سازند که قصد تجاوز به اروپای غربی و کشورهای بالتیک را در سر می‌پروراند»

و اضافه می‌کند که:

«این ادعا به هیچ وجه نمی‌تواند صحت داشته باشد، زیرا که در زمینه سلاح‌های متعارف؛ روسیه به مراتب از ناتو ضعیف‌تر است و نمی‌تواند چنین رویائی را در سر بپروراند. مجموعه سلاح‌های متعارف ناتو نزدیک به ۳ برابر سلاح‌های روسیه است. قصد تجاوز به کشورهای غربی و یا بالتیک از جانب روسیه تنها می‌تواند خودکشی محسوب شود».

در سال ۲۰۱۸ امریکا ۱۰ برابر روسیه هزینه زرادخانه‌های نظامی‌اش بوده است. «مؤسسه تحقیقات ستراتیژیک» IISS در گزارش سالانه‌اش کل بودجه نظامی امریکا را در ۲۰۱۸ برابر با ۶۴۳،۳ میلیارد دلار ذکر کرده که به مراتب بیش از دو کشور چین و عربستان سعودی است، که به ترتیب ۱۶۸،۳ میلیارد و ۸۲،۹ میلیارد دلار هزینه نظامی داشته‌اند. مسکو اما با ۶۳،۱ میلیارد دلار در واقع یک دهم بودجه نظامی امریکا را به بودجه نظامی اختصاص داده است. علاوه بر این سایر کشورهای ناتو نیز در مجموع ۲۶۴ میلیارد دلار خرج زرادخانه‌های خود کرده‌اند. میلیتاریست‌های قهار اروپائی نظیر "ینس ستو لتنبرگ"؛ دبیرکل ناتو و روتگن Röttgen، رئیس کمیسیون خارجی مجلس المان معتقدند:

«در حال حاضر روز به روز تعداد راکت‌های میان‌برد روسی در اروپا افزایش می‌یابد. لذا ناتو درصدد است که اقدامات پیشگیرانه انجام دهد».

ترجمه دقیق اظهارات ستولتنبرگ این است که امریکا باید در اروپا راکت‌های میان‌برد هسته‌ای مستقر کند! در نتیجه خروج امریکا از (INF) به طور قطع یک رقابت تسلیحات اتمی در اروپا را در پی خواهد داشت، که می‌تواند پی‌آمدهای بس خطرناکی برای مردم اروپا در برداشته باشد.

از طرف دیگر «سِرگی ریابکوف» معاون لاوروف؛ وزیر امور خارجه روسیه؛ تهدید کرده است که خروج امریکا از پیمان منع راکت‌های هسته‌ای میان‌برد، قطعاً اقدامات مقتضی نظامی روسیه را به دنبال خواهد داشت. همانگونه که راکت‌های میان‌برد امریکائی در رومانی و پولند به سمت روسیه مستقر شده‌اند، روسیه نیز راکت‌های خود را به سمت اروپا مستقر خواهد کرد. به گمان حزب ما این افزایش و گسترش تسلیحاتی، حتی یک گام فراتر از جنگ سرد است و جهان را به سمت جنگ جهانی سوم سوق می‌دهد. هدف از رقابت تسلیحاتی غرب با روسیه شکستن توان اقتصادی این کشور؛ تجاوز به آن و تقسیم روسیه است که وسیع‌ترین کشور جهان محسوب می‌شود. سرزمینهای حاصلخیز و پهناور؛ منابع اولیه سرشار اشتهای امپریالیسم غرب به ویژه امریکا را باز کرده است.

امریکا گرچه راکت‌های میان‌برد روسیه را بهانه‌ای برای خروج از پیمان (INF) ذکر کرده است، اما دلیل مهم دیگری که موجب اتخاذ این تصمیم از جانب آنها شده، این است که چین هیچ‌گونه تعهدی برای عدم تکامل و گسترش راکت‌های هسته‌ای میان‌برد ندارد و لذا با حضور گسترده اقتصادی؛ سیاسی و نظامی اش در جهان؛ عملاً قادر است که تسلیحات خود را در این زمینه گسترش دهد. از اینرو امپریالیسم امریکا برای آن که بتواند چین را نیز مهار کند، مایل نیست که پیمان (INF) باشد و از این طریق دست و بال خود را در عرصه تولید راکت‌های هسته‌ای ببندد. در دورانی که پیمان (INF) میان دو ابرقدرت شوروی و امریکا منعقد گشت، چین قدرتی به شمار نمی‌آمد. ولی اکنون این کشور به چنان قدرتی تبدیل شده است که حتی قادر است ماهواره روانه کره ماه کند و راکت‌های قاره پیمای بسازد که قادرند امریکا را نیز هدف قرار دهند. از اینرو امریکا امروز مجبور است که عامل چین را هم در محاسبات خود بگنجاند. به همین دلیل ترمپ در سخنان ۲۶ جنوری سال جاری خود «شرط عدم خروج» امریکا از پیمان (INF) را با تخبتری خاص چنین بیان کرد:

«مگر آن که روسیه و چین پیش ما بیایند و بگویند که ما این نوع سلاح‌ها را توسعه نمی‌دهیم»!!

تا امریکا بتواند با خیال راحت در خفا به تولید و تکامل سلاح‌های هسته‌ای خود ادامه دهد. گرچه امپریالیسم امریکا سال‌هاست که مشی سلاح‌های هسته‌ای خود را علی‌رغم وجود پیمان (INF) دنبال می‌کند، اکنون با طرح مسأله خروج از پیمان مذکور احتمالاً قصد امتیازگیری از روسیه و چین برای محدودکردن فعالیت‌های راکتی آنها و نیز رفع محدودیت‌ها از برنامه راکتی امریکا را در سر می‌پروراند. دیگر این که کشورهای فرانسه و انگلستان نیز؛ گرچه هم‌پیمان امریکا در ناتو هستند، ولی امضای آنها زیر پیمان (INF) نیست، که این امر نیز قطعاً در محاسبات امریکا مبنی بر خروج از (INF) نقش ایفاء کرده است. تهدید خروج امپریالیسم امریکا از قرارداد (INF) بیانگر تمایلات میلیتاریستی و جنگ‌طلبی امریکاست. وگرنه همانگونه که قرارداد به نسبت موفقیت‌آمیز (INF) توأم با بازرسی متقابل به ثمر رسید، اکنون نیز امکان نجات آن از طریق مذاکره می‌توانست وجود داشته باشد و نه این که با اتخاذ تصمیم یکجانبه پیمان را نقض کرد.

ایجاد دستگاه راکت‌های ۵ «ماخ» در رومانی و پولند توسط امپریالیسم امریکا، آزمایش راکت‌های بالستیک در امریکا و وجود هواپیماهای بدون سرنشین در این کشور و ... نشانه‌های بارز نقض پیمان راکتی و دنبال‌کردن سیاست جنگی آنها به شمار می‌رود. امپریالیسم امریکا با حرکت از سیاست هژمونی‌طلبانه و میلیتاریستی‌اش سال‌هاست که در پی تکامل سلاح‌های هسته‌ای و تهاجمی است که البته از دید آنها هیچ‌گونه تضادی هم با پیمان (INF) نداشته و ندارد و آن را

به هیچ وجه نقض نکرده و نمی‌کند!! بنابر این شکی نیست که تصمیم اخیر ترمپ مبنی بر خروج از پیمان (INF) دقیقاً در خدمت ستراتیژی گسترش سلاح‌های تهاجمی است و بس!

خروج امریکا از پیمان (INF) به معنای بازگشت به جنگ سرد و به‌کار انداختن ماشین تولید سلاح‌های هسته‌ای به بهانه تهدید روسیه است، که بدون تردید روسیه نیز با توسل به «عمل مقابل به مثل» جهان را بیش از پیش با وقوع جنگ جهانی سوم مواجه خواهند ساخت. دیر یا زود امریکا، ناتو را نیز به پیروی از مشی اتومی خود؛ مجبور خواهد ساخت که در کشورهایی نظیر المان؛ هالند؛ بلجیم؛ پولند؛ رومانی و ... به بهانه تضمین امنیت مردم این کشورها!! راکت‌هایی با کلاهک هسته‌ای مستقر کنند، که این امر بدون تردید نه تنها امنیت را تضمین نمی‌کند، بلکه به عکس آن را شدیداً به خطر خواهد انداخت. طبیعی است که سیاست میلیتاریستی گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باید در خدمت تثبیت و گسترش سلطه و هژمونی امپریالیسم امریکا باشد. در این راستا نه تنها کشورهای عضو ناتو به سرکردگی امریکا می‌توانند از «موهبت» راکت‌های دارای کلاهک هسته‌ای برخوردار باشند، نه تنها اسرائیل سال‌هاست که دارای صدها کلاهک هسته‌ای است، بلکه حتی قرار است که عربستان سعودی هم به این سلاح مجهز شود.

جالب اینجاست: ایران که سال‌هاست تحت نظارت و کنترل «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» است و جهانیان نیز به خوبی می‌دانند که این کشور - حتی به شهادت ۱۶ سازمان امنیتی امریکا از جمله سازمان سیا - از سال ۲۰۰۳ دیگر سیاست سلاح هسته‌ای را دنبال نمی‌کند و حتی جواد ظریف وزیر امور خارجه‌اش؛ در مورد برنامه راکت‌های بالستیک ایران اخیراً علناً اعلام کرده است که این راکت‌ها فاقد خاصیت حمل کلاهک هسته‌ای هستند و ... باز هم متهم به ساختن سلاح هسته‌ای می‌شود.

افزایش زرادخانه‌های جنگی از جانب امپریالیست‌ها هیچ‌گاه به منظور حفظ صلح و امنیت نبوده و همانطور که تجارب جنگ‌های جهانی اول و دوم به ما می‌آموزند، جز کشتار و ویرانی ثمری به بار نخواهند آورد. خانم مرکل، صدراعظم المان در ۱۲ جولای سال گذشته هم‌صدا با سران اروپا؛ قرارداد (INF) را برای تأمین امنیت اروپا حیاتی می‌پنداشت و اعلام کرد که «ما خود را موظف می‌دانیم که این پیمان را حفظ کنیم». اما امروز خروج یکجانبه امریکا از این پیمان را «ناگزیر» ارزیابی می‌کند!

اگر این موضع‌گیری نشانه ورشکستگی اروپا و سران قدرتمند آن در زمینه سیاست خارجی و امنیت داخلی نیست، پس چیست؟

برای مقابله با سیاست افزایش تسلیحات و خطر جنگ جهانی؛ کمونیستها باید به ایجاد و تقویت جنبش صلح و ضد جنگ؛ جنبش احترام به حقوق ملل و مبارزه با دخالت در امور داخلی کشورها بپردازند. کسانی که عربده تجاویز امپریالیسم امریکا به ایران را می‌کشند و خواهان نقض حقوق ملل و حقوق بشر اند در خدمت همین سیاست جنگ‌طلبانه امپریالیسم امریکا گام می‌گذارند. محاصره تبهکارانه و غیرقانونی ایران در زمینه اقتصادی و مالی جزئی از همین سیاست جنگ‌طلبانه امپریالیستی است و نوکران امپریالیسم امریکا در میان اپوزیسیون ایران از این جنگ‌طلبی و زروگوئی امپریالیسم امریکا دفاع می‌کنند. روشن است که نمی‌شود سیاست اپورتونیستی یک بام و دو هوا را اجراء کرد. افزایش تسلیحات نظامی؛ نقض پیمانهای تسلیحاتی؛ محاصره غیرقانونی کشورها؛ نقض حقوق ملل و حمایت از تروریسم در لیبیا؛ سوریه و سایر کشورها؛ سیاست "رژیم چنج" در جهان و تحقیر نقش توده‌ها؛ دیکته اوامر امریکا در نظم کنونی جهان؛ حمایت از جنایات عربستان سعودی و اسرائیل و ... همه و همه از یک تفکر و یک سیاست منشاء می‌گیرند. مبارزه برای صلح و آسایش ملتها بخش جدا ناپذیر از مبارزه به ضد امپریالیسم و صهیونیسم و اقدامات توسعه‌طلبانه؛ تجاویزکارانه؛ غیرقانونی و زورگویانه آنها می‌باشد. باید جنبش ضد جنگ را تقویت نمود.

برگرفته از توفان شماره ۲۲۹ فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۸ - اپریل ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)